

ظهور و دگرگونی جریان های اسلام گرا

ظهور و دگرگونی جریان های اسلام گرا

جریانات اسلام گرا، اعم از میانه رو و رادیکال، در 15 سال اخیر دگرگونیهای مهمی را تجربه کرده اند، در این میان نظریات متفاوتی در رابطه با علل وزمینه های رشد ودگرگونیهای جریانات اسلامی مطرح شده است. مقاله حاضر مروری بر این نظریات و نوعی تقسیم بندی، با توجه به نگاه غالب بر این نظریات در بررسی پدیده اسلام گرایی، می باشد. بر این اساس، نظریات موجود زیر سه عنوان رویکرد اندیشه ای، رویکرد تاریخی و جامعه شناختی، و رویکرد منطقه ای- بین المللی قرار گرفته اند و نقش هر کدام بررسی شده است.

مقدمه

جهان امروز، جهان تحولات است. یکی از این مناطق جهان که به ویژه در دو صد سال اخیر دستخوش تحولات اخیر بوده است، منطقه خاورمیانه می باشد. در پی تحولات معطوف به استقرار یک نظم سیاسی جدید، می توان از جریان های اسلام گرا نام برد که تاکنون چندین موج را پشت سر گذاشته است. در پی آن تحولات عملی، آراء و نظریه هایی نیز از سوی متخصصان و دانشگاهیان و حتی رهبران جنبش ها بیان شده است که دسته بندی ومرزگذاری میان آن ها می تواند افق روشن تری از این پدیده را پیش چشم گذارد که خود موضوع این پژوهش است. البته، تحولات شگرفی که از دسامبر 2010 در کشورهای عربی روی داد، موج تازه ای از اسلامگرایی را در نظر و عمل مطرح کرد که در نوع خود بسیار حائز اهمیت و قابل بررسی های فراوان است. با این حال به رغم گذشت چند سال از این تحولات، بررسی و نظریه پردازی در این خصوص، زود هنگام به نظر می رسد. هر چند که نظریاتی نیز چه در ایران و چه در منطقه و جهان ارائه شده است. با این حال، چون این تحولات در حال تکوین است و چون نظریات مربوط به آن ها، نهایی و کامل نیست، بررسی و طبقه بندی آن ها نیز زود هنگام به نظر می رسد..

از این نظر، با توجه به اهمیت نظریات ارائه شده در باره علل شکل گیری و یا تحول جریانات اسلام گرا در خاورمیانه، هدف مقاله حاضر شناسایی نظریات موجود- یا به تعبیر رجایی «صورت برداری» [2]- و مروری بر این ادبیات غنی و آموزنده (تا پیش از موج اخیر) است. البته تعداد کتابها و مقالات تألیف شده در این موضوع آن چنان فراوان است که نام بردن از تک تک آنها ناممکن می نماید و در عوض، باید با یافتن وجوه مشابه تحقیقات صورت گرفته، جریانهای گوناگون پژوهشی در این زمینه را شناسایی کرد. روشن است که این گونه مطالعات به ناچار با نوعی خلاصه گویی و ساده سازی همراه است و گاه از یک گزارش صرف فراتر نمی رود، اما به هر صورت برای درک جایگاه نظریه ها و نظریه پردازان و روابط و اثر گذاری آنها بر یکدیگر موثر است. به عبارتی دیگر، چنین صورت برداریهایی برای شناخت جغرافیای بحث مفید است و اساسا گام نخستین و ضروری برای هر پژوهشی محسوب می شود. هر چند در اینجا تلاش شده است که عموم نظریات اساسی و جدی در این زمینه از قلم نیفتد، مقاله حاضر نمی تواند یک شناسایی کامل و بدون کاستی به شمار آید و به خصوص توجه به آثاری که به زبانهای فرانسوی و عربی

نگاشته و منتشر شده است، می تواند در تکمیل و تدقیق این نوشته موثر باشد، ضمن آنکه بررسی انتقادی این نظریات مجالی دیگر می طلبد و فعلاً از عهده این مقاله خارج است.

طرح مسئله

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی دو دهه 1980 و 1990 میلادی، شاهد ظهور، گسترش و گاه افول جریانات گوناگونی بوده است که خود را ذیل عنوان «اسلام گرا» تعریف می کردند. فعالیتهای این گونه جریانات، فارغ از نتیجه آن، موجب شد تا توجه سیاستمداران و تحلیل گران بیش از گذشته به پدیده اسلام سیاسی جلب شود. البته اسلام گرایی در کشور های عربی، از یک دید، پدیده جدیدی نبود و ریشه و پیشینه آن به سالهای ضعف- سپس فروپاشی- امپراتوری عثمانی (بحران خلافت) باز می گشت و حتی با کاوش بیشتر و جستجویی دقیقتر در تاریخ می توانیم متفکران مسلمان دیگری را هم بیابیم که خواهان شکل دهی مناسبات موجود بر مبنای شریعت بوده اند، اما اوج گیری و بروز آثار فعالیتهای اسلام گرایانه از اواخر دهه 70 و به ویژه اوایل دهه 80 میلادی، سبب شد تا توجهات پراکنده و محدود پژوهشگران مسایل منطقه صورتی دیگر بیابد.

پژوهشگران و تحلیلگران مسایل سیاسی با شگفتی- و بر خلاف پاره ای از مفروضات تئوریک خود- می دیدند که اسلام به سرعت به عنوان ابزاری برای دگرگونی و باز سازی دولت و جامعه درآمده است. براساس دیدگاه های موجود، به ویژه درچارچوب موج نخست نظریه مدرنیزاسیون، انتظار آن بود که در پی رویدادهایی چون گسترش شهرنشینی و افزایش سطح سواد ساکنان منطقه، شاهد بروز جهت گیریهای سیاسی «مدرن» در این جوامع باشیم [3]. به علاوه، برخی فرض می کردند که دین اسلام صرفاً در جهت حفظ وضعیت موجود عمل می کند و یا دست کم قادر به بسیج توده ها برای دگرگونی نیست [4]. حال، حادثه ای دیگر و خلاف انتظار رخ داد: موجی جدید به حرکت در آمد که سودایی دیگر برای منطقه داشت و می خواست با تغییر واقعیات موجود، طرحی نو دراندازد. اسلام که روزگاری از جمله ابزارهای مهم و انکار ناشدنی برای کنترل و تضعیف احزاب و گروه های چپ گرا و ملی گرا در کشور های مسلمان به شمار می رفت، در قالب یک رقیب جدید و نیرومند ظاهر شده بود. در واقع، دگرگونیهای سریع و پردامنه خاورمیانه که گاه کاملاً مرتبط با اقدامات اسلام گرایان بود، بیش از پیش شناسایی این پدیده و نیز بازبینی مفروضات پیشین را ضروری می ساخت.

در این میان، تشدید فعالیت های «جنبشهای اسلام گرا» تنها پدیده ای نبود که جلب توجه می کرد، بلکه ظهور یک «دولت اسلام گرا»- در ایران- بسیار جذابتر می نمود. ایران، اینک، به صورت بستری پویا برای آزمون توانایی و ظرفیت ایدئولوژی جدید، و دست کم قرائت شیعی آن، در آمده بود. اگر دو تصویر ترسیم شده را ترکیب کنیم (ظهور یک دولت اسلام گرا در ایران و تقریباً همزمان با آن، تشدید فعالیتهای اسلام گرایانه در سایر کشورهای خاورمیانه)، می بینیم که وضعیت منطقه تا چه اندازه در معرض تغییر و تحول جدی قرار داشته است. اگر اسلا گرایان موفق به تحقق کامل ایده های خود می شدند، ساختارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی منطقه دگرگون می شد و مناسبات موجود بر اساس برداشت های خاص از مبنای دینی شکل می یافت. همچنین روابط میان کشور های خاورمیانه و کشور های قدرتمند، به ویژه غربی، به طور اساسی در معرض بازنگری قرار می گرفت. از این مباحث البته نباید نتیجه گرفت که در صورت قدرت گیری اسلام گرایان در کشورهای مختلف منطقه لزوماً بین آنان همسویی و همکاری پدید می آمد و همگی بر اساس برداشت مشترکی عمل می کردند، ولی گویی وقوع این دگرگونیها در خاورمیانه لازم می نمود تا به تدریج این برداشت تعدیل یافته- و البته منطقی-

به دست آید که «دین چون هم حاوی عناصر وحدت بخش است و هم حاوی عناصری که موجب تغییرات اساسی اند، لذا هم می تواند تکیه گاهی برای نهادهای مستقر جامعه باشد و هم یک نیروی انقلابی... دین درست همان طور که در روزگاران گذشته اغلب به کار تأیید وضع موجود مدد می داده، اینک در بسیاری از قسمتهای جهان کنونی به امداد گر انقلابها تبدیل شده است.» [5]

به هر حال، در پرتو دگرگونی های گاه نفس گیر و غافل گیر کننده منطقه ای و با توجه به بازنگریهای صورت گرفته در تئوریهای موجود و یا مفروضات حاکم، نوشته های فراوانی با هدف توصیف و تبیین پدیده اسلام گرایی، آثار آن وبه ویژه گمانه زنی درباره چشم اندازهای آینده به رشته تحریر درآمد. در نتیجه، امروزه ادبیاتی غنی در مورد علل ظهور و گسترش جنبش های اسلام گرا در خاورمیانه در دسترس محققان قرار دارد.

آنچه که پژوهشگران مسائل منطقه را به خود مشغول کرده، تحولی است که در جریان اسلام گرایی روی داده است. توضیح اینکه طی دو دهه 80 و 90 میلادی موج سهمگین اسلام سیاسی اگر چه آثار و پیامدهای شگرفی به دنبال آورد، تحت تاثیر عوامل گوناگون داخلی و بین المللی به تدریج دچار دگرگونی شد: تفسیرهای جدیدی از مبانی و مفاهیم دینی به عمل آمد و گرایشهای رادیکال به حاشیه رانده شدند. در واقع، امروزه اگر چه در رسانه ها بیشتر از قدرت رادیکالیزم اسلامی-به خصوص اقدامات القاعده- سخن به میان می آید، اسلام گرایان میانه رو بازیگرانی جدی تر، موثرتر و موفق ترند. اینان با درک هوشمندانه شرایط کشورهای خود و منطقه، جایابی مناسب در صحنه بازی سیاسی و عرضه تفسیرهای جدید و جذاب از متون دینی- در عین وفاداری به آن متون-توانسته اند بیش از رقیبان رادیکال خود در جلب نظر توده ها کامیاب باشند.

اگر روزگاری شعار مشهور «الاسلام هو الحل» به معنای لزوم تغییر همه جانبه بود، تحلیلگران علاقه مند شدند که ببینند حال، اسلام گرایان چگونه این شعار را با شرایط جدید تطبیق می دهند و به ویژه چه نسبتی میان آن و مفهوم دموکراسی برقرار می کنند. به هر صورت، بررسی این نکته (چرایی دگرگونی در جریان اسلام گرایی) موجب پیدایش موج دیگری از مطالعات و نظریه پردازیها شد و ظرف مدت کوتاهی، مقالات و گزارشهای چندی در این زمینه تدوین و تنظیم شد و حتی در این زمینه همایشهایی برگزار گردید [6].

رویکردها و نگرشهای موجود

امروزه بسیاری از پژوهشگران مسایل اسلام گرایی و جنبشهای اسلام گرا پیش از هر چیز می کوشند نوعی طبقه بندی از تحقیقات به عمل آمده عرضه کنند تا جایگاه تحقیق و مطالعه آنان در این مقوله بندی مشخص شود. در یک تقسیم بندی اولیه، با بهره گیری از مفهوم صورت انتزاعی (یا صورت نوعی) مورد نظر وبر، می توان پژوهشهای مختلف را به چهار دسته تقسیم کرد:

1. پژوهشهایی که پدیده اسلام گرایی را از منظری اندیشه ای مورد توجه قرار داده است؛
2. پژوهشهایی که به بررسی تاریخی و جامعه شناسانه ظهور یا تحول جنبشهای اسلام گرا پرداخته است؛
3. پژوهشهایی که جنبشهایی که یاد شده را در چارچوب سیایتها و تحولات منطقه ای و بین المللی مورد مطالعه قرار داده است؛
4. پژوهشهایی که برای بالا بردن قابلیت تبیین چارچوب تحلیلی خود، به ترکیب دو یا چند تئوری دست زده اند.

در باره نظریات گروه چهارم قابل ذکر است که امروزه به دلیل گرایش پژوهشگران به دوری از برهانهای تک علتی و ارایه نظریات ترکیبی و چند متغیره، آثار فراوانی به رشته تحریر در آمده است که جنبشهای اسلام گرا را بدین گونه مطالعه کرده اند. این محققان برای بالا بردن قابلیت تبیین چارچوب تحقیقاتی خود به ترکیب دو تا چند تئوری و بررسی همزمان سطوح مختلف تحلیل دست زده اند و در نتیجه توانسته اند اثر گذاری متغیرهای بیشتری را در تحلیل خود لحاظ کنند. با این حال، مرور این آثار نشان می دهد که نگاه از منظر یک تئوری یا یک سطح تحلیل-در این ترکیب- معمولاً غلبه دارد؛ به عنوان مثال، چنانکه خواهیم گفت، به رغم بررسی متغیرهای گوناگون داخلی و منطقه ای توسط ژیل کپل، نگاه جامعه شناسانه بر پژوهشهای وی غالب است. همچنین می توان از آثار دکمجیان و هالیدی یاد کرد که به سرعت حالت کلاسیک نیز یافته اند. از این رو در پژوهش حاضر، این گونه نوشته ها به صورت مستقل مرور نخواهند شد، بلکه با توجه به نگاه غالب و حاکم بر آثار در درون گروههای سه گانه اولیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اینک، درباره گروههای سه گانه اولیه (اندیشه ای، تاریخی و جامعه شناختی، و منطقه ای-بین المللی) توضیحاتی به اختصار در پی می آید.

1. رویکرد اندیشه ای

برخی از پژوهشها، پدیده اسلام گرایی را از منطری اندیشه ای بررسی کرده اند؛ یعنی تحقیق خود را بر بررسی مبادی و مبانی اندیشه اسلام گرایان، تحول و تطور اندیشه آنان و گاه آثار عملی چنین تفکراتی متمرکز کرده اند. تحقیقاتی که از این منظر صورت گرفته است، خود به سه بخش تقسیم می شود [7]:

نخست، گروهی از پژوهشها به مقوله (موضوع) شناسی پرداخته اند؛ یعنی با مشخص کردن تعدادی از موضوعات و مفاهیم اساسی، جایگاه آنها را در اندیشه اسلام گرایان شناسایی کرده اند و یا تحول و تطور این مفاهیم را در گذر زمان نشان داده اند. مشهور ترین پژوهش در این زمینه، از آن حمید عنایت است با عنوان اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. وی با تأکید بر اینکه «این کتاب عمدتاً به اندیشه ها می پردازد؛ از تاریخ و جامعه شناسی فقط در مواردی کمک گرفته شده است که به روشن کردن زمینه اندیشه ها مدد برسانند» [8]، سیر تکوین اندیشه های جدید میان شیعیان و اهل سنت را بیان می کند و به عنوان نمونه، چگونگی تغییر برداشت از مفاهیم مهم تقیه و شهادت در اندیشه شیعه را نشان می دهد. به نظر عنایت، به دلایلی چند، اندیشه سیاسی در دو قرن اخیر در جهان اسلام جدی گرفته شده و گرنه تا پیش از آن، در سایه سایر معارف قرار داشته است. وی با این توضیح، به بررسی دیدگاههای متفکران مشهور شیعه و سنی و گاه ارتباط اندیشه آنان با دگرگونیهای سیاسی و اجتماعی می پردازد و از جمله نشان می دهد که چگونه در قرن حاضر نوعی «آشتی باطنی» بر اثر تحولات اساسی در «جهان نگری طرفین» روی داده است [9]. در این زمینه کارهای دیگری هم انجام گرفته است؛ مانند مقاله شهادت از سونسن که تأثیر این مفهوم را در بسیج توده ها در جریان انقلاب ایران واکاوی می کند [10] و یا کتاب زبان سیاسی اسلام از برناردلویس که حاوی نکات مهمی در باب ذهنیت و زبان مسلمانان و اهمیت موضوعاتی چون جنگ و صلح یا شرایط حاکم، بر اساس متون مقدس (نصوص)، است [11]

یکی از جدیدترین پژوهشها در این زمینه، کتابی است تحت عنوان اسلام، دموکراسی و مدر نیزم مذهبی در ایران (1953-2000) به قلم فروغ جهان بخش که نسبت اسلام و دموکراسی را در اندیشه تعدادی از متفکران سیاسی -مذهبی معاصر ایران جستجو می کند [12]. وی با بررسی زندگی و آرای هفت شخصیت مشهور (مهندس بازرگان، دکتر شریعتی، دکتر سروش،

آیت الله طالقانی، آیت الله مطهری، علامه طباطبایی و امام خمینی) در پی روشن کردن آن است که: آنان چه درکی از دموکراسی داشته اند و آن را چگونه تبیین و مفهوم سازی کرده اند، مباحث خود را بر کدام پایه معرفتی و هنجاری بنا نموده اند، و آیا درون مایه و پی آمد فعالیت های آنان، در این باره، تفاوتی با کوشش های پیشینیان-در انقلاب مشروطه- داشته است یا خیر. از خلال نظریه پردازی های شخصیت های مورد بررسی، بر اساس تحلیل جهان بخش، گونه خاصی از دموکراسی در چارچوب ایدئولوژی سیاسی اسلامی پدید آمد که بیشتر با مفاهیم و تصورات سنتی سازگار بود، هر چند روشنفکری دینی پس از پیروزی انقلاب شیوه دیگری را در پیش گرفت و سازگاری اسلام و دموکراسی را موضوعی برون دینی-ونه درون دینی-دانست که باید نگاهی عقلانی بدان داشت.

دوم، جریان شناسی مورد توجه عده ای دیگر از ناظران و نویسندگان بوده است. به عنوان یک اثر کلاسیک، می توان از کتاب مشهور مجید خدوری با نام گرایش های سیاسی در جهان عرب یاد کرد [13]، هر چند که تحولات جدید فکری را طبیعتاً پوشش نمی دهد. همچنین می توان از کتاب اندیشه های سیاسی معاصر در جهان عرب نام برد که در پی صورت برداری از جریان های اندیشه ای معاصر در جهان عرب است تا در نهایت، علل چنین وضعیتی را تبیین نماید. فرهنگ رجایی، نویسنده کتاب، از تمدن گرایی، اسلام گرایی و عرب گرایی جدید به عنوان جریان های اصلی اندیشه ای در دوره معاصر نام می برد و ویژگی های هر یک را ذکر می کند [14]. وی ظهور این سه جریان را نشانه تغییر در جهان ذهنی اعراب پس از شکست در جنگ شش روزه می داند؛ تغییراتی که در شکل گیری گفتگوهای صلح بین اعراب و اسرائیل بی تاثیر نبوده است. مصطفی ملکیان نیز در مقاله ای، سه قرائت معاصر از اسلام را که موجب شکل گیری سه جریان شده است، چنین بر می شمارد: اسلام بنیاد گرا، اسلام تجددگرا و اسلام سنت گرا [15]، در حالی که از نظر فیرحی، سه جریان تجدد گرایی اسلامی، سکولاریزم اسلامی و رادیکالیزم اسلامی در تاریخ فکر معاصر قابل تشخیص است [16]. گذشته از این موارد، نمی توان از مقاله خواندنی احمد مصلی و تقسیم بندی گفتمانی وی در باب نسبت حقوق بشر و دموکراسی کثرت گرایانه (پلورالیستی) و جریان های بنیادگرای اسلامی یاد نکرد [17]. بر این اساس، وی گفتمان های بنیاد گرایانه موجود را به دو گروه تقسیم می کند: 1. گفتمان هایی که حکومت اسلامی را با مفاهیمی چون حقوق بشر و دموکراسی مانع الجمع می بیند و در این میان می توان به نام هایی چون سید قطب، صالح سریه و شیخ عمر عبدالرحمن اشاره کرد؛ 2. گفتمان هایی که میانه رو محسوب می شوند چون میان مبانی اسلام و مفاهیم یاد شده قائل به تعارض نیستند. دیدگاه های حسن البنا، تقی الدین نبهانی، منیر شفیق، سعید حوا، محمد العوا، حسن الترابی و راشد الغنوشی در این گروه جای می گیرد. سوم، تعدادی از نویسندگان معرفی و احیاناً بررسی انتقادی آراء و عقاید متفکران و فعالان اسلام گرا را در پیش گرفته اند واز این طریق، غنای مطالعات موجود یاری رسانیده اند؛ به عنوان نمونه، سید قطب، دکتر علی شریعتی و امام خمینی مورد توجه بسیاری از نویسندگان بوده و آثار زیادی را به خود اختصاص داده اند. در یک ارزیابی اجمالی، تعداد این گونه مقالات (متفکر شناسی) در مقایسه با مقالات تألیف شده در دو محور پیشین (جریان شناسی و مقوله شناسی) بیشتر بوده است؛ به عنوان مثال، در مجموعه مقالاتی که با نام اسلام، سیاست و جنبش های اجتماعی به ویراستاری ادموند برک و ایرا لاپیدوس منتشر شده است [18]، دو مقاله از سه مقاله بخش چهارم (انقلاب در ایران) در زمینه متفکر شناسی است؛ یک مقاله از حامد الگار درباره امام خمینی [19] و یک مقاله از پروانه آبراهامیان در باره دکتر علی شریعتی [20]. در کتاب ریشه های تروریسم نیز مقاله ای از راپوپرت درباره افکار محمد عبدالاسلام فرج-به عنوان یک تئوریسین در

جریان بنیادگرایی اسلامی - به چشم می خورد [21]. نقطه ضعف برخی از مقالات این حوزه آن است که بجای تمرکز بر زمینه اندیشه ای یک متفکر، به وقایع نگاری صرف یا بهره گیری از تئوریهای روانشناسی و جامعه شناسی کشیده می شوند. چنانچه قرار باشد نمونه ای درخشان از مطالعات در این حوزه نام برده شود که به زمینه اندیشه ای بحث وفادار مانده و از بحثهای روانشناسانه و جامعه شناسانه مرسوم دوری گزیده است، مقاله بازنگری عرفا [امام] خمینی و میراث فلسفه عرفانی اسلام قابل ذکر است [22].

2. رویکرد تاریخی و جامعه شناختی

اغلب نویسندگان، مسأله اسلام گرایی و ابعاد گوناگون آن را از منظر تاریخی و جامعه شناسانه بررسی کرده اند. این مطالعات خود به دو زیر گروه تقسیم می شود: مطالعاتی که به زمینه های ظهور اسلام گرایی - به طور کلی - پرداخته اند، و پژوهشهایی که منابع و چگونگی اقدام یا تحول اسلام گرایان را مورد توجه قرار داده اند.

1. زمینه های ظهور: مطالعاتی که تأثیر متغیرهایی چون استعمار، بیکاری، جوان شدن جمعیت یا دموکراتیزاسیون را در این زمینه می سنجد، در این رده جای می گیرند و گاه ممکن است صرفا جنبه تاریخی داشته باشند. این پژوهشها با توجه به زاویه دید و مبنای تحلیل، به دو بخش تقسیم می شوند:

الف) در بخش نخست، ظهور و گاه گسترش اسلام گرایی به مسأله تجدد و یا تعارض سنت - مدرنیسم در کشور های خاورمیانه پیوند داده شده است و فعال گرایی اسلامی به مثابه واکنشی علیه تسلط فرهنگی غرب بر جهان اسلام در نظر گرفته می شود. از این دید، درونمایه این حرکت بیشتر فرهنگی - هویتی است، چنان که بروس لارنس عنوان فرعی کتاب خود (مدافعان خدا) را «شورش بنیاد گرایانه علیه دروه مدرن» برگزیده است [23] و هی وود نیز بنیاد گرایی دینی را پاسخ جوامعی می داند که «دستخوش یک بحران هویت واقعی یا تصویری» شده اند [24]. بسام تیبی، پژوهشگر مشهور عرب، هم اسلام گرایی را پاسخی به مشکلات ناشی از دو پدیده همزمان جهانی شدن [25] و از هم گسیختگی [26] می داند که اولی پدیده ای سیاسی و دومی پدیده ای فرهنگی است. از دیدگاه وی، بنیاد گرایان اسلامی در پی به چالش کشیدن مدرنیته فرهنگی هستند [27]. روشن است که در این گونه تحلیل، اسلام گرایی «بخشی از یک پدیده بزرگتر»، یعنی رشد بنیادگرایی دینی در جهان، در نظر گرفته می شود [28]، چنان که تیبی می گوید: «بنیادگرایی، از هر نوع آن، بخشی از یک پدیده جهانی است.» [29] از جمله مطالعات مقایسه ای مطرح، غیر از پژوهش لارنس، می توان به مقاله مانسون و یا کتابی از اپل بی اشاره کرد [30]، اما مشهورترین و مفصل ترین تحقیق در این حوزه، طرح بنیادگرایی است که توسط دانشگاه شیکاگو و فرهنگستان علوم و هنر آمریکا به اجرا درآمد و نشستهای علمی آن از 1988 تا 1993 طول کشید [31]. مجموعه ای از مقالات ارایه شده در این نشستها، در قالب 5 جلد کتاب قطور - به ویراستاری مارتین مارتی و آر. اسکات اپل بی - منتشر شد [32] عناوین مقالات درج شده بیانگر آن است که بررسی پدیده بنیادگرایی دینی، در همه وجوه و اقسام آن، مورد علاقه دست اندرکاران طرح بوده است، ضمن آن که بررسی تجربیات مختلف در کنار یکدیگر موجب نوعی مقایسه و سنجش نیز می شود:

جلد 1 - ملاحظات در باب بنیادگرایی ها (1991)؛

جلد 2 - بنیادگرایی ها و جامعه (1993)؛

جلد 3 - بنیادگرایی ها و دولت (1993)؛

جلد 4 - صورت برداری از بنیاد گرایی ها (1994)؛

جلد 5 - ادراکاتی درباره بنیادگرایی ها (1995). [33]

از دیگر نویسندگان مشهور در این زمینه، اسپوزیتو و وال هستند که ضمن پذیرش اهمیت مسائل و مشکلات خاص کشور های اسلامی معتقدند اسلام گرایی پدیده ای صرفاً و اکنشی در برابر مشکلات اقتصادی - اجتماعی نیست، بلکه سیاسی، دینی و به خصوص هویت جویانه است [34]. البته در تفسیر این نوع هویت جویی، بین صاحب نظران هوادار این رویکرد اختلاف نظر است: نظر مارتین مارتی بر آن است که بنیادگرایی ها، از جمله بنیاد گرایی دینی، واکنشی «ارتجاعی» محسوب می شود [35] چون مبتنی بر «ایمان به حقیقتی مطلق» و رد هر گونه گفت و گو یا سازش با غیر معتقدان است [36]. سگال و یووال-دیویس هم از این منظر، سه ویژگی مشترک میان تمامی بنیادگرایان را چنین بر می شمردند: 1. مخالفت با فمینیسم و کوشش برای کنترل بدن زنان؛ 2. رد نظام های کثرت گرا؛ 3. تلفیق دین و سیاست. از دید این دو، این ویژگیها نشانگر احساس خطر بنیاد گرایان از دنیای جدید است [37]. در مقابل، تعدادی دیگر همچون لارنس، سید و زبیده [38] بنیاد گرایی را واکنشی مدرن-و نه ارتجاعی- می دانند. از نظر اینان، بنیاد گرایی اساساً در درون جریان مدرنیته قابل درک و فهم است؛ به عنوان نمونه، بابی سید در کتاب هراس بنیادین، با عرضه تحلیلی نشانه شناسانه، مقایسه ای میان دو طرح کمالیزم و اسلامیزم انجام می دهد و هر دو را «مدرن» می داند. وی با تداوم و گسترش نظر زبیده در این باره چنین نتیجه گیری می کند:

تعارض میان کمالیستها و اسلام گرایان، دیگر نه بر سر مدرن شدن یا مدرن نشدن، بلکه تضادی بر سر تعقیب نوع استراتژی مدرن شدن است... اسلام گرایی را می توانیم نوعی مدرنیته سیاسی بدانیم که از کمالیزم، لیبرالیزم، سوسیالیسم و دیگر ایدئولوژیها متفاوت است و به گونه ای میان مدرنیته و غرب تمایز قایل می شود. این مسأله شاید به ما کمک کند که خصلت کاملاً ضد غربی اسلام گرایان را درک کنیم... رد غربی شدن از سوی آنان، به معنای رد مدرن شدن نیست [39].

ب) در بخش دوم، به مشکلات عینی و درونی کشورها تمرکز صورت می گیرد؛ یعنی ظهور و رشد اسلام گرایی به ناکامی دولت های اقتدا گرا-و اغلب سکولار-منطقه در تحقق رفاه اقتصادی و برابری اجتماعی و نیز عدم تمایل به رعایت آزادیهای سیاسی نسبت داده شده و آثار متغیرهایی چون سرکوب سیاسی، وابستگی حکومت به خارج، گسترش شهر نشینی، فقر یا آثار شکستهای پیاپی اعراب از اسرائیل مورد بررسی قرار گرفته است. چنین پژوهشهایی که حجم زیادی از مطالعات درباره پدیده اسلام گرایی را تشکیل می دهند، خود به سه بخش تقسیم می شوند:

اول، نویسندگانی که بر مسأله استعمار جدید و سلطه خارجی تأکید می کنند و اسلام گرایی را واکنش به آن می دانند؛ به عنوان مثال، فرانسوا بورگا اسلام گرایی سیاسی را سومین مرحله استعمار زدایی خاورمیانه ای می داند که بیشتر حرکتی فرهنگی محسوب می شود [40]. مرحله نخست، نبرد علیه استعمارگران و حکومت های وابسته بدانها در منطقه (سیاسی) بود و مرحله دوم شامل مبارزه با سلطه جویی توسط حکومت های بر آمده از جنبش های استقلال طلبانه و ضد استعماری (اقتصادی) می شد. نیکی کدی [41] و خورشید احمد [42] نیز بر تعهد اسلام گرایان بر مبارزه با میراث استعمار و وابستگی حکومتها تأکید می کنند.

دوم، بررسی آثار عینی و ذهنی جنگ های اعراب و اسرائیل بر جوامع عرب و ظهور اسلام گرایی از موضوعات مورد توجه عده ای از محققان بوده است که از جمله مقاله حداد درباره شکست 1967 اعراب از اسرائیل قابل ذکر است [43]. ملیکه زگال نیز در مطالعه خود درباره جامعه معاصر مصر بر این نکته انگشت گذاشته و می نویسد:

یکی از پیامدهای جنگ 1967 این بود که اندیشه توبه در میان علمای الازهر گسترش پیدا کرد.

شکست در جنگ، این فرصت را برای آنان به وجود آورد تا به طور کلی نظریه رجعت به مذهب و احیای حافظه مذهبی جمعی را مطرح سازند... در حقیقت، شکست باید همانند پیروزی نوعی رحمت تفسیر می شد که از طرف خداوند فرستاده شده بود[44].

سوم، در پژوهشهای این بخش بر بحرانهای اقتصادی-اجتماعی و مسأله سرکوب سیاسی به طور جدی تمرکز صورت می گیرد و گاه، به دلیل نوع شاخصها و متغیرهای مورد بررسی، مرزهای جامعه شناسی و اقتصاد سیاسی کمرنگ می شود. از این رو است که ویکهام این بخش از مطالعات در باب اسلام سیاسی را زیر عنوان «مدل اقتصاد سیاسی» جای می دهد[45] و نوشته های تسلر را مثال می زند، چرا که تسلر تحلیلهای خود را اغلب بر پایه آمار و داده های کمی بنا می کند[46]. بر این اساس، «در هر کشوری که حکومت ناتوان از تأمین نیازهای شهروندانش باشد، بنیادگرایی وجود خواهد داشت چرا که متفکران مذهبی بلافاصله راه حلهای یوتو پیایی برای حل مشکلات عرضه خواهند کرد؛ راه حلهایی خوشایند برای مردمی درمانده و نیازمند.»[47] از این رو کسانی چون شامیر، اتین و توزی، فیشر، انصاری، ابراهیم، فکش، گیلسمان، عجمی، کدی و کپل جاذبه اسلام گرایی را در شکست نخبگان ملی گرای سکولار در تحقق وعده هایشان و پاسخی به شهری شدن گسترده، فقر، بیکاری جوانان تحصیلکرده و بحران مشارکت می دانند[48]، وزبیده، آبراهامیان و بیات هم، در همین چارچوب، اسلام گرایی را توجه به بحث «مبارزه طبقاتی» تحلیل می کنند[49]. البته کسانی چون آبراهامیان و بیات تحت تأثیر واقعیات منطقه ناچار شده اند که گامی فراتر بگذارند و علاوه بر متغیرهای عینی، متغیرهای ذهنی از قبیل فرهنگ و ایدئولوژی را نیز وارد تحلیل خود کنند. علاوه بر اینان می توان به تجدید نظر مشهور تدا اسکاچپول در تئوری انقلاب خود-تأثیر حوادث انقلابی در ایران-اشاره کرد[50]. کتاب معدل هم با عنوان طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب در این زمینه قابل یادآوری است که می کوشد متغیر ایدئولوژی را به نحو مناسبی در تحلیل طبقه-محور خود وارد کند[51].

برخی از مطالعات در این بخش حالت ترکیبی دارند؛ یعنی متغیرهای گوناگون-و گاه سطوح مختلف تحلیل-در قالب یک تئوری ترکیبی مورد توجه قرار گرفته اند، و در نتیجه کار آیی تبیینی بیشتری یافته اند. امروزه کتاب مشهور دکمجیان (جنبشهای اسلامی معاصر در جهان عرب) حالت کلاسیک یافته است. وی در تئوری خود با نام «نظریه ادواری» از شش بحران هویت، مشارکت، مشروعیت، آشوب و فشار، فرهنگ، نظامی و تضاد طبقاتی نام می برد که در درون محیط بحران فرا گیر کشورهای اسلامی به چشم می خورند و اسلام گرایی چیزی نیست جز واکنش جوامع اسلامی در برابر تداوم و شدت بحرانهای یاد شده[52]. دکمجیان ایدئولوژیهای اسلام گرایانه را به چهار دسته تقسیم و برای هر یک مصادیقی ذکر می کند: گام به گام گرایان/عملگرایان، تشیع انقلابی، تسنن انقلابی، و موعود گرایان/پاکدینان[53]. از دید وی، «جذر و مد بنیاد گرایی اسلامی در طول تاریخ نشانگر یک رابطه دیالکتیکی مداوم میان اسلام و محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی آن است.»[54] او جایگاه جنبش اسلامی معاصر را در پرتو 9 رابطه دیالکتیکی قابل درک می داند: سکولاریزم/حکومت الهی، نوگرایی اسلامی/محافظه کاری اسلامی، اسلام نهادی/اسلام بنیادگرا، نخبگان حاکم/رادیکالهای اسلامی، نخبگان اقتصادی/سوسیالیستهای اسلامی، ناسیونالیسم قومی/وحدت اسلامی، اسلام صوفیانه/بیکار جویی بنیادگرایانه، اسلام سنتی/اسلام بنیادگرا، دارالاسلام/دارالحرب[55].

اسپوزیتو نیز که نگاهی همدلانه به مسائل کشورهای اسلامی دارد و بر بعد هویت جویانه حرکتها و اسلامی تاکید می ورزد، ظهور رادیکالیسم اسلامی-ونه اسلام گرایی-را به مشکلات اقتصادی و سیاسی کشورهای اسلامی، واکنش به وابستگی حکومتهای منطقه و پشتیبانی

غرب از اسرائیل پیوند می زند تا نشان دهد که این پدیده ریشه در جهان بینی دینی ندارد[56]. آخرین کسی که در این بخش حتما باید از او یاد کرد، اولیویه روآ است که دو کتابش با عنوان شکست اسلام سیاسی و جهانی شدن اسلام بحثهای زیادی را به دنبال آورد. در کتاب نخست، او با بررسی متغیرهای گوناگون اقتصادی و فرهنگی دخیل در تحولات منطقه خاورمیانه و نیز بازتاب و پیامدهای فعالیتهای اسلام گرایانه، وقوع شکست جنبشهای اسلام گرا را در کسب قدرت سیاسی پیش بینی می کند[57] و در کتاب دوم نشان می دهد که چگونه شکست در تسخیر قدرت سبب تقویت رادیکالیزم اسلامی و پیدایش ایده «اسلام جهانی» شد. به عبارت دیگر، بسیاری از اسلام گرایان اکنون نه به دنبال تحقق حکومت اسلامی در سرزمین خود که مدعی اسلام فرامرزی و فراسرزمینی هستند[58].

2. منابع و چگونگی اقدام یا تحول: همزمان با بحث از زمینه های ظهور، مسأله مهم شیوه فعالیت، چگونگی تحول و یا منابع دگرگونی در جریان اسلام گرایی هم مورد بحث و مناقشه میان پژوهشگران و صاحب نظران بوده است. تئوریهای این قسمت به چهار دسته تقسیم می شود[59].

الف) آنانی که چون سیوان، وال و واتیکویتیس اهمیت ایدئولوژی اسلامی را به عنوان منبع اصلی فعالیت اسلام گرایان یادآور می شوند و معتقدند که خشونت در ذات آموزه های اصیل اسلامی وجود دارد و مانع از انعطاف پذیری اسلام گرایان می شود[60]. به نظر اینان، اسلام گرایی، غرب را به عنوان «دیگری» تعریف کرده است، از اینرو ارزشهای آن را مورد هدف قرار می دهد. اگر هم گرایشی به برخی از ارزشها یا نهادهای غربی مشاهده می شود، تاکتیکی بیش نیست، چنان که لوئیس رویکرد اسلام گرایان را به مسأله انتخابات چنین خلاصه می کند: «یک نفر، یک رای، یک بار»[61]. پاییز هم اساسا شریعت اسلامی را در تضاد با ارزشهای دنیای مدرن فرض می کند[62]، به همین خاطر مبارزه جویی بنیادگرایان اسلامی نسبت به غرب را جدی تر و عمیق تر از مبارزه طلبی کمونیستها می داند[63]. در همین جا باید یادآور شد که این نوع نگاه از توضیح منطقی و رضایت بخش واکنشهای انعطاف پذیرانه اسلام گرایان نسبت به محیط بیرونی خود، در سالهای اخیر، ناتوان است، به همین دلیل کسانی چون یانسن وحافظ کوشیده اند به جای تأکید بر ایدئولوژی، از تفسیرهای گوناگون از ایدئولوژی و وجود نوعی رقابت میان این تفسیرها سخن بگویند[64].

ب) برخی از صاحب نظران پیشینه و زمینه اقتصادی و اجتماعی اسلام گرایان را در شیوه فعالیت و دگرگونیهای احتمالی آنان مؤثرتر از بقیه متغیرها می بینند. مشهورترین مطالعات در این زمینه از سعدالدین ابراهیم و حامد انصاری است[65]. بر این اساس، چه پیدایش و چه عملکرد خشن اسلام گرایان رابطه نزدیکی با زمینه اقتصادی، اجتماعی آنان دارد؛ آنان اغلب سطح بالایی از تحصیل را دارند، به حاشیه شهرها مهاجرت کرده اند، در جستجوی فرصتهای شغلی هستند، و از همه مهمتر بین ارزشهای روستایی و خانوادگی خود با ارزشهای محیط جدید شهری احساس تعارض می کنند. طبیعی است که می توانیم نتیجه بگیریم تغییر در این زمینه، موجب تغییراتی در عملکرد و بروز تحول در میان اسلام گرایان می شود. انصاری با تمرکز بر رده سنی و وضعیت شغلی اعضای الجهاد در ابتدای دهه 1980 به نتایج جالب توجهی دست یافته است: درحالی که 17/5 درصد اعضای این سازمان زیر 20 سال سن داشته اند، 70 درصد آنان 30-21 ساله بوده اند. از سوی دیگر، حدود 44 درصد دانشجو، 16/6 درصد کارگر و 10/7 درصد بیکار بوده اند. (جدول).

نعمت گوئنا هم در تحقیق درباره میانگین سنی و میزان تحصیلات دانشگاهی فعال گرایان اسلامی در مصر به این نتیجه رسیده است که میانگین سنی آنان از 25-27 سال در دهه

70 میلادی به 21 سال در ابتدای دهه 90 میلادی رسیده است و در عملیتهای تروریستی سال 1995 حتی افرادی 16 ساله مشاهده شده اند. در مقابل، تعداد تحصیلکردگان دانشگاهی از 64 درصد در دهه 1970 به 48 درصد در دهه 1980 و 30 درصد در دهه 1990 کاهش می یابد [66].

ج) یکی از مطالعات جدید که توسط حافظ و ویکتوریچ صورت گرفته است، با نقد تئوریهای پیش گفته، مفهوم «بازیگر حسابگر» را مبنای تحلیل قرار می دهد؛ یعنی اینکه اسلام گرایان نیز در محیطی مملو از فرصتها و محدودیتهای عمل می کنند که این فرصتها (مقدورات) و محدودیتهای (محدورات) تصمیمات آنان برای به کارگیری تاکتیکهای مناسب اقدام را شکل می دهد. این دو بر این مبنا توانسته اند از دگرگونی بنیادین در جماعه الاسلامیه مصر تفسیر جالبی عرضه کنند. به نظر این دو، گروه جماعه الاسلامیه «خشن متولد نشد»، بلکه تحت تاثیر شرایط بیرونی بود که به عرصه مبارزه مسلحانه قدم گذاشت، به ویژه سندی از این گروه در دست است که اذعان می کند دست زدن به خشونت، واکنشی است علیه حبس و شکنجه اعضای گروه و شکنجه همسران و مادرانشان [67].

د) ترکیب متغیرها نیز مورد توجه عده ای دیگر قرار گرفته است. اینان کوشیده اند با چنین ترکیبی، تفسیری چند بعدی و جامع تر از پدیده مورد بررسی ارایه کنند. در مطالعه ای که توسط حمید احمدی و باتکیه بر مفهوم «اقدام جمعی» صورت گرفته است، آثار 6 متغیر تسهیل کننده و 4 متغیر کنترل کننده بر اقدام جمعی خشونت بار توسط جنبشهای اسلام گرا مورد توجه قرار است. متغیرهای تسهیل کننده اقدامات خشونت آمیز عبارت است از: توجیهات ارزشی و هنجاری، سنت و سوابق تاریخی، اقتدار سازمانی و نهادی، سکولاریزم، سرکوب و فشار، و مداخله خارجی. متغیرهای چهارگانه کنترل کننده خشونت نیز عبارت است از: مشارکت سیاسی، اصلاحات و توسعه اقتصادی، سیاستهای وحدت گرایانه، و مساله فلسطین [68]. یکی از جدیدترین آثار در این حوزه، کتاب جهاد اثر ژیل کپل است که شهرت زیادی نیز یافته است [69]. اگر چه مطالعه وی درباره پیدایش و گسترش جنبشهای اسلام گرا، جامعه شناسانه است و اهمیت بیشتری برای متغیرهای داخلی (روابط میان روشنفکران اسلامی، جوانان تهیدست شهری و طبقه متوسط سنتی، و نیز چگونگی برخورد دولت) قائل است، اما از نقش متغیرهای بیرونی و تاثیر آن بر تحولات درونی کشورها - از قبیل قیمت نفت، پیروزی انقلاب ایران و فروپاشی بلوک شرق - غافل نمی شود، ضمن آن که مطالعه خود را معطوف به کشورهای مختلفی از قبیل ایران، افغانستان، الجزایر، مصر و بوسنی می کند. در نتیجه کتاب کپل حالتی چند بعدی یافته است و تصویر نسبتاً جامعی را از آنچه وی گسترش و افول اسلام گرایی سیاسی خوانده است، ترسیم می کند.

یکی از مهمتری مفاهیمی که مبنای این مطالعه و برخی دیگر از نوشته های کپل قرار گرفته است، «وحدت کلمه» است. به نظر وی، موفقیتها و شکستهای جنبشهای اسلام گرا در ربع قرن گذشته ناشی از موفقیت و یا شکست آنها در ایجاد وحدت کلمه؛ یعنی ائتلاف میان روشنفکران مذهبی، جوانان تهیدست شهری و طبقه متوسط سنتی بوده است. در جریان انقلاب ایران، این ائتلاف پدید آمد و موفق به کنار زدن رژیم حاکم شد، اما این تجربه در سایر کشورهای منطقه تکرار نگردید. ارزیابی کپل، در نهایت، آن است که چشم انداز روشنی برای شکل گیری وحدت کلمه در کشورهای اسلامی وجود ندارد؛ روشنفکران مذهبی به بازبینی میراث گذشته مشغولند و از رادیکالیزم دور شده اند، طبقه متوسط سنتی جایگاه بهتری در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای اسلامی پیدا کرده است، جوانان تهیدست شهری هم تحت تاثیر عواملی چند مانند گذشته رادیکال نیستند. از همه مهمتر این که شرایط برای افکار سنت گرایانه و فعالیتهای تروریستی مساعد و مناسب نیست [70].

3. رویکرد منطقه ای-بین المللی

برخی از پژوهشها، مسأله اسلام گرایی را با عنایت به مسایل منطقه ای و بین المللی بررسی کرده اند و آثار متغیرهایی چون تحولات منطقه ای/بین المللی و نیز سیاست خارجی قدرتهای بزرگ راسنجیده اند؛ به عنوان نمونه، اغلب محققان به درستی بر مسأله «اسرائیل» و حمایت گسترده ایالات متحده از آن انگشت گذاشته اند و اهمیت این امر را در تداوم موضع مخالفت جویانه اسلام گرایان منطقه خاطر نشان کرده اند. کافی است اشاره کنیم که خالد اسلامبولی، یکی از دلایل ترور سادات را صلح وی با اسرائیل ذکر کرد [71]. همچنین می توان از تحقیقات مفصل و پر دامنه ای یاد کرد که درباره آثار گوناگون انقلاب ایران [72] ویا حوادث 11 سپتامبر 2001 به رشته تحریر درآمده است [73].

این گونه پژوهشها، در واقع، مکمل تحقیقات دو دسته پیشین به شمار می رود، چرا که با بین المللی شدن اهداف و زمینه فعالیت برخی از گروهها اسلام گرا، دیگر نمی توان پدیده اسلام گرایی را صرفاً در سطح محلی یا ملی قرارداد و یا به شناسایی ریشه های تاریخی آن بسنده کرد. ویژگی تعدادی از پژوهشهای این گروه، صبغه سیاستگذارانه آنهاست؛ یعنی برخی از نویسندگان کوشیده اند که با توجه به آرایش بازیگران دولتی و غیر دولتی در منطقه و توان هریک، توصیه های واقع بینانه و عملی برای سیاستگذاران و سیاستمداران عرضه کنند؛ به عنوان نمونه، فواز جرجیس در کتاب آمریکا و اسلام سیاسی، روند سیاست خارجی آمریکا در قبال اسلام سیاسی را از زمان کارتر تا کلینتون تحلیل و شواهدی ارائه می کند مبنی بر اینکه «اظهارات عموم مقامات دولتی در ایالات متحده غالباً مغایر با رفتار عملی آنها نسبت به جنبشها و دولتهای اسلام گراست.» [74] از دیگر آثار قابل توجه جدید در این حوزه، کتاب اسلام و غرب: کشمکش یا همکاری؟ نوشته امین صیقل است. وی در این کتاب می خواهد که ماهیت تنش فزاینده میان جهان غرب و جهای اسلام را پس از حوادث 11 سپتامبر 2001 آزمون کند تا بتواند راه حلهایی برای «ایجاد یک نظم جهانی با دوام، با ثبات و عادلانه» بیابد. از نظر او بروز حوادث 11 سپتامبر «از علل و شرایطی ریشه می گرفت که جهان غرب و به ویژه ایالات متحده در پیدایش آنها نقش مهمی، هر چند غیرآگاهانه، ایفا کرد» [75]، پس به بررسی سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم می پردازد [76] و فصلی را هم به تأثیر سه مسأله انقلاب ایران، حوادث فلسطین و کشمکش در افغانستان اختصاص می دهد [77].

از نام برداترین نویسندگان این حوزه می توان به فرد هالیدی، گراهام فولر و شیرین هانتر اشاره کرد که مقالات و کتابهای متعددی درباره ابعاد گوناگون اسلام گرایی دارند. هر سه نفر هرچند که متغیرهای گوناگونی را معمولاً مورد بررسی قرار داده اند، رویکردشان به مسأله بیشتر در چارچوب مباحث مطالعات «سیاستهای منطقه ای و بین المللی» است. کتاب هالیدی تحت عنوان اسلام و اسطوره رویارویی امروزه حالت کلاسیک یافته است [78] و تحلیل فولر هم با نام اسلام گرایان در جهان عرب: رقص به دور دموکراسی در سپتامبر 2004 منتشر شده است [79]. فولر در این نوشته اگر چه به رابطه اسلام و دموکراسی توجه می کند، آن را در پرتو تجربه اعراب و نیز تحولات منطقه ای و بین المللی بررسی می کند. به نظر وی، به رغم فشارهای شدید بین المللی، شرایط برای رشد و تقویت میانه روی اسلامی مناسب نیست. در عوض، با توجه به سیاستهای اسرائیل و آمریکا رادیکالیزم انگیزه بیشتری برای فعالیت ایجاد می کند. هانتر نیز در کتاب آینده اسلام و غرب، با ذکر ریشه های پدیده اسلام گرایی و همچنین عوامل خارجی موثر بر ظهور آن، نقش اسلام را در شکل گیری سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی می سنجد تا در نهایت چشم اندازی از مناسبات اسلام و غرب ترسیم کند [80].

یکی از نوشته های نسبتاً جدید در این محور از مصطفی دانش است با عنوان سوء استفاده از کلام خدا، بحران در دنیای اسلام. به نظر دانش، بنیادگرایی اسلامی پدیده ای ذاتی یا طبیعی جوامع اسلامی نیست:

بنیاد گرایی در شرایط جنگ سرد پدید آمده است. رقابت دو ابر قدرت آن دوران، در برافروختن تعصب مذهبی دخالت مستقیم داشته است. قدرتهای بزرگ از روی نزدیک بینی و نادانی این جریان را پدید آوردند تا بتوانند از آن علیه اردوگاه مخالف استفاده کنند[81].

جمع بندی

جریانات اسلام گرا، اعم از میانه رو و رادیکال ، در 15 سال اخیر دگرگونیهای مهمی را تجربه کرده اند، ضمن اینکه صحنه روابط منطقه ای و بین المللی نیز چون گذشته نیست. اگر فروپاشی بلوک شرق تحولی مهم و پردامنه محسوب می شود و به درستی از سوی تمامی صاحب نظران یک نقطه عطف به شمار می آید، نباید از آثار حمله عراق به کویت و سپس تهاجم نیروهای ائتلاف برای آزاد سازی کویت غافل شد ،همچنان که نتایج انتخابات سال 1992 الجزایر و کودتای ارتش این کشور واقعه ای غافلگیر کننده بود .این سلسله رویدادها در تحول اسلام گرایی در منطقه خاورمیانه و شکل گیری ائتلافها، اختلافها، رقابتها و انشعابهای جدید نقش اساسی داشته است. در واقع، امروزه شعار مشهور «الاسلام هو الحل» با معنای آن در ابتدای دهه 1980 یکسان نیست، چرا که نگاه بسیاری از اسلام گرایان به نظام بین الملل، نخبگان سیاسی حاکم و حتی ارزشهای مدرن تغییر کرده است. در خلال ربع قرن گذشته، تعدادی از نویسندگان و تحلیلگران کوشیده اند با بررسی پدیده اسلام گرایی، علل رشد و دگرگونیهای بعدی آن را دریابند و نسبت میان ارزشهای مورد نظر اسلام گرایان و ارزشهای مدرن را بشناسند.

مقاله حاضر با این هدف تنظیم و تدوین شد که مروری بر این نظریات صورت گیرد و نوعی تقسیم بندی، با توجه به نگاه غالب بر این نظریات در بررسی پدیده اسلام گرایی، ارائه شود. بر این اساس، نظریات موجود زیر سه عنوان رویکرد اندیشه ای، رویکرد تاریخی و جامعه شناختی، و رویکرد منطقه ای-بین المللی جاریزی شده اند. روشن است که می توان با مطالعه ای وسیع تر، تعداد بیشتری از نظریات و دیدگاههای ارائه شده در جهت توصیف و تبیین پدیده اسلام گرایی را شناسایی کرد و نیز تقسیم بندیهای دقیق تر و مناسب تری را پیشنهاد نمود. چنانکه گفته شد، هر گونه تقسیم بندی و طبقه بندی نظریات موجود اگر چه مفید است ،در عین حال،

گونه ای ساده سازی و تقلیل گرایی محسوب می شود که البته از آن گزیر و گریزی نیست؛ به عنوان

نمونه ، هم لوئیس و هم اسپوزیتو بر نقش ایدئولوژی اسلامی در اقدام جمعی اسلام گرایان تاکید می کنند،

اما - چنانکه روشن است - تلقی آنان از نقش ایدئولوژی کاملاً متفاوت است . همچنین تمامی کسانی که

بر اثر گذاری متغیرهایی چون مشکلات اقتصادی ، اجتماعی و سرکوب سیاسی در ظهور و گسترش پدیده

اسلام گرایی تکیه میکنند، هم سنخ هم فکر نیستند و اولویت بندی آنان از نقش متغیرها تفاوت دارد. یکی

از دلایل این امر آن است که بسیاری از پژوهشگران برداشت واحدی از پدیده مورد مطالعه خود

ندارند و در نتیجه در مورد کاربرد و دامنه مفاهیمی چون اسلام گرایی و اسلام سیاسی هم اختلاف نظر پیدا می کنند. از آنجا که داستان اسلام سیاسی در منطقه خاورمیانه هنوز پایان نگرفته است و اساسا جریانات اسلام گرا به یکی از مهمترین بازیگران منطقه ای تبدیل شده اند، به نظر می رسد که نظریه پردازی درباره این موضوع ادامه خواهد یافت، از اینرو وجود طبقه بندیهایی برای شناخت جغرافیای بحث همچنان ضرورت خواهد داشت . جدول-وضعیت شغلی و سنی اعضای الجهاد*

وضعیت شغلی

تعداد

درصد

دانشجو

کارگر

متخصص

بیکار

مغازه دار

کارمند دولتی

نیروهای نظامی و انتظامی

کشاورز

جمع

123

41

35

30

16

15

14

5

9/43

6/16

5/12

7/10

7/5

4/5

2/2

100

تقسیم بندی سنی

تعداد

درصد

زیر 20 سال

21-30 سال

بالتر از 40 سال

جمع

49

196

30

5

280

5/17

70

7/10

8/1

100

*این اطلاعات و آمار برگرفته از نشریه الاهرام (9 مه 1982) است.

پاورقی

- [1] عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و پژوهشگر ارشد مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
nabavisa@yahoo.com.
- [2] این تعبیر بر گرفته از منبع زیر است: فرهنگ رجایی، معرکه جهان بینی ها؛ در خرد ورزی سیاسی و هویت ما ایرانیان، تهران: شرکت انتشارات احیای کتاب، 1373، پیشگفتار.
- [3] به عنوان نمونه، دانیل لرنر معتقد بود که افزایش سطح تحصیلات موجب تقویت جهت گیریهای سیاسی «مدرن» می شود. Daniel Lerner, The Passing of Traditional Society, New York: Free Press, 1964
- این کتاب به زبان فارسی نیز برگردانده شده است، ر.ک: دانیل لرنر، گذر جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1383.
- [4] از جمله به ارزیابی کدی توجه کنید:
- Nikki Keddie, "The roots of Ulama's Power in Modern Iran" in Scholars, Saints and Sufis: Muslim Religious Institutions in the Middle East since 1500, edited by Nikki R. Keddie, Berkeley: University of California Press, 1972, pp. 211-229
- [5] گونتر لیوئی، «انقلاب»، ترجمه مرتضی اسعدی در فرهنگ و دین، ویراسته میر چا الیاده، تهران: طرح نو، 1374، ص ص 525-526.
- [6] در این زمینه می توان به همایش «اسلام و دموکراسی» اشاره کرد که از سوی موسسه صلح در 15 مه 1992 در ایالات متحده برگزار شد. خلاصه ای از مقالات ارائه شده به این همایش به صورت کتاب چاپ شده است، ر.ک: تیمونی سیسک، اسلام و دموکراسی: دین، سیاست و قدرت در خاورمیانه، ترجمه شعبانعلی بهرام پور و حسن محدثی، تهران: نشر نی، 1379.
- [7] تقسیم بندی سه گانه یاد شده بر گرفته از فرهنگ رجایی است، ر.ک: فرهنگ رجایی، اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب، تهران: مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، 1381، ص 171.
- [8] مید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی، 1372، ص 11.
- [9] پیشین، ص 96.
- [10] Jill Diane Swenson, "Martyrdom: Mythos – Cathexis and the Mobilization of the Masses in the Iranian Revolution," Ethos, Vol. 13, No. 2, Summer 1985, pp. 121-148.
- [11] برنارد لوئیس، زبان سیاسی اسلام، ترجمه غلامرضا بهروز لک، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، 1378. وی در مقاله ای مهم نیز به تحلیل برداشت مسلمانان از وقایع تاریخی پرداخته است، ر.ک: برنارد لوئیس، «روشهای تاریخ نگاری؛ برداشت مسلمانان از تاریخ و تاریخ نگاری»، ترجمه فرزانه شادان پور، روزنامه همشهری، شماره های 1472 و 1474، 12 بهمن و 14 بهمن 1376.
- [12] Forough Jahanbakhsh, Islam, Democracy and Religious Modernism in Iran (1953-), Leiden: Brill, 2001.
- [13] مجید خدوری، گرایشهای سیاسی در جهان عرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، 1369.
- [14] فرهنگ رجایی، اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب، همان.

- [15] مصطفی ملکیان، «سخنی در چند و چون ارتباط اسلام و لیبرالیسم،» ماهنامه کیان، شماره 48، مرداد و شهریور 1378، ص 13-10. برای توضیح بیشتر این تقسیم بندی، رک: مصطفی ملکیان، «روش شناسی در علوم سیاسی» (گفتگو)، فصلنامه علوم سیاسی، شماره 22، تابستان 1382، ص 344-341.
- [16] داود فیرحی، «جریان شناسی اندیشه سیاسی در اسلام معاصر» (گفتگو)، قسمت اول، روزنامه ایران، شماره 2149، 22 خرداد 1381، ص 6.
- [17] Ahmad S. Moussalli, "Discourses on Human Rights and Plouralistic Democracy" in. Islam in a Changing world; Europe and the Middle East, edited by Anders Jerichow and Jorgen Baek Simonsen, Surry: Curzon, 1997, pp. 45-90
- [18] Edmund Burk, III and Iran M. Lapidus (eds.), Islam, Politics and Socool. Movement, Berkley: University of California Press, 1988
- [19] Hamid Algar, "Imam Khomeini, 1902-1962: The Pre-Revolutionary. Years," Ibid., pp. 263-288
- [20] Ervand Abrahamian, "Ali Shari'ati: Idrologue of the Iranian. Revolution," Ibid., pp. 289-297
- [21] David C. Rapoport, "Sacred Terror: A Contemporary Example Islam" in origins of. Terrorism, edited by walter Reich, Washington, DC: The Woodrow Wilson Center press, 1998, pp. 103-130
- [22] Alexander Knysh, "Irfan Revisited: Khomeini and the Legacy of Islamic Mystical. Philosophy," Middle East Journal, Vol. 46, No. 4, Autumn 1992, pp. 631-653
- [23] Vruce B. Lawrence, Defenders of God; The Fundamental Revolt Against the. Modern Age, New York: Harper and Row, 1989
- [24] اتدرو هی وود، در آمدی بر ایدئولوژی سیاسی، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، 1373، ص 498.
- [25] Globalization.
- [26] Fragmentation.
- [27] Bassam Tibi, The Challenge of Fundamentalism, political Islam and The new. World Disorder, Berkeley: Univrsity of California Press, 1998, pp. 5-6
- [28] Masoud Kazemzadeh, "Teaching the politics of Islamic Fundamentalism," Political. Science and Politics, Vol. 31, No. 1, March 1998, p. 4, at: www.proquest.com
- [29] Bassam Tibi, Op.cit., p. 32.
- [30] Henry Munson, "The Ideologization of Religion in Response to Werstern. Domination: The Cases of Hinduism, Islam and Theravada Budism" in Iran and Beyond, edited by Rudi Matthee and Beth Barom, Costa Mesa: Mazda Pubishers, 2000, pp. 235-246; R. Scott Appleby, Spokesman for the Despised: Fundamentalist Leaders of Middle East, Chicago: University of Chicago Press, 1997
- [31] Martin Marty, "Fundamentalism as a Social phenomom," Bulletin of the. Ametican Academy of arts and Sciences, No. 42, pp. 15-29
- [32] برای آشنایی با روند اجرایی این طرح ونیز محتوای سه جلد نخست از کتابهای منتشر شده، رک: فرهنگ رجایی، «چالش بنیاد گرایی دینی و پاسخ غرب،» مجله سیاست خارجی،

- سال 7، شماره 4، زمستان 1372، صص 773-806.
- [33] مشخصات کتاب شناختی این مجلدات عبارت است از:
(Vol. 1-Fundamentalisms Observed(1991
Vol. 2 –Fundamentalisms and Society: Reclaiming the Sciences, Family and Education
,((1993
Vol. 3—Fundamentalisms and the State: Remaking Politics, Economics and Militance
,((1993
Vol. 4- Accounting for-Fundamentalisms : The Dynamic Character of
,(Movements(1994
,(Vol. 5--Fundamentalisms Comprehended (1995
تمامی این مجلدات به ویراستاری مارتین مارتی و آراسکات اپل بی و توسط انتشارات دانشگاه
شیکاگو منتشر شده است.
- [34]. رک: نیموتی سیسک، همان، ص 90.
- [35] Martin Natty, Op . cit.,p.20.
- [36]. Ibid .,p.22.
- [37] Gita Sahgal and Nira Yuval-Davis(eds), Refusing Holy order, London:Virago,. [37]
1992,pp.3-5 and 7-8; Cited in Bobby S. Sayyid, A Fundamental Fear; Eurocentrism and
the Emergence of Islamism, London:Zed Books, 1997, pp.8-1
Sami Zubida,Islam, The people and the State, London:Routledge,1989. [38]
Babby S.Sayyid,Op.cit., p.98 . [39]
- [40] به نقل از :شیرین هانتر، «اسلام گرایی: نقش سیاسی جنبشهای اسلام گرا در
خاورمیانه معاصر، « ترجمه پرویز کریمی ناصری و مریم سلمان یزدی، فصلنامه مطالعات
خاورمیانه، شماره 29، بهار 1381، ص 150.عنوان اثر بعدی بورگا نیز به اندازه کافی گویاست:
Francois Burgat and William Dowell, "Islamism as the Language of Political Reaction to
Western Cultural Dominatiol"in The Islamic Movement in North Africa, Austin:
University of Texas,1993, pp.63-85
- Nikki Keddie, An Islamic Response to Imperialism, Berkeley: University of. [41]
California press,1983
- [42] به نقل از:حمید احمدی،«آینده جنبشهای اسلامی در خاورمیانه: طرح یک چارچوب نظری»
فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره 14-15، تابستان و پاییز 1377، صص 54-57.
- [43] Yvonne Haddad, "Islamists and the "Problem of Israel": The 1967 Awakening,"
Middle East Journal, Vol.46, No.2,Spreing 1992,pp.266-285
- [44] ملیکه زگال، «دین و سیاست در مصر: علمای الازهر، اسلام افراطی و دولت(1952-94)،»
قسمت اول، ترجمه عباس کاظمی نجف آبادی، فصلنامه اندیشه صادق، شماره 3-4، تابستان و
پاییز 1380، صص 122-123.
- Carrie Rosefsky Wickham, Mobilizing Islam; Religion, Activism and Political. [45]
..Change in Egypt, New York: Columbia University Press, 2002, p. 63-85
- [46] ه عنوان نمونه، رک:
- Mark Tessler, "The Origins of Popular Support for Islamist Movements: A Political
Wconomy Analysis" in Islam, Democracy and the State in North Africa, edited By John

- P. Entelis, Bloomington: Indiana University Press, 1997, pp. 93-126
- خوشبختانه به تازگی نوشته ای از تسلیر به فارسی برگردانده شده است، رک: مارک تسلیر، «اسلام و دموکراسی»، ترجمه مهدی حجت، فصلنامه علوم سیاسی، شماره 29، بهار 1384، صص 231-252. وی در نوشته خود رابطه اسلام و دموکراسی را نه از منظر اندیشه ای یا جامعه شناختی که با عنایت به داده های چند نظر سنجی در سالهای 1988=1996 در مصر، الجزایر، مراکش و فلسطین تحلیل می کند..
- David Masci, "Islamic Fundamentalism," The CQ Researcher, Vol. 10, No.11, Mark. [47] 24, 2000, p.24, at: www.cqpress.com/context/articles
- [48] برای آگاهی از نظریه شیمون شامیر، رک: تیموتی سیسک، پیشین، صص 66-67. نظر اتین و توزی هم از این منبع نقل گردیده است: جف هینس، «مذهب» در مسایل سیاست جهان، ویراسته برایان وایت، مایکل اسمیت و ریچارد لیتل، ترجمه سید محمد کمال سروریان، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1381، صص 149. مشخصات بقیه منابع عبارت است از:
- Michael M.J. Fischer, "Islam and the Revolt of the Petit Bourgeoisie," Daedalus, Vol. III, No.1, Winter 1982, pp.101-125
- Hamied N. Asari, "The Islamic Militants in Egyptian Politics," International Journal of Middle East Studies, Vol.16, No.1, March 1984, pp.123-144
- Saad Eddin Ibrahim, "anatomy of Egypt's Militant Islamic Group," International Journal of Middle East Studies, Vol. 12, No. 4, December 1980, pp.423-453
- Mahmud A. Faksh, The Future of Islamic in the Middle East: Fundamentalism in Egypt, Algeria and Saudi Arabia, Westport, Conn.: Praeger, 1997
- ; Michael Gilson, Recognizing Islam, London: I.B.Tauris, 1995-
- ; Fouad Ajami, The Arab Predicament, Cambridge: Cambridge University Press, 1981-
- Nikki Keddie, "The Revolt of Islam, 1700 to 1993: Comparative Considerations and Relations to Imperialism," Comparative Study of Society and History, Vol.36, No.2, April 1994, pp.463-487
- ژیل کپل، پیامبر و فرعون (جنبشهای نوین اسلامی در مصر)، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، 1366.
- Sami Zubaida, Op. cit.; Ervand Abrahamian, Khomeinism: Essays on the Islamic Republic, Berkeley: University of California Press, 1993
- Theda Skocpol, "Rentier State and Shi'a Islam in the Iranian Revolution," Theory and Society, Vol. 11, No. 3, May 1982, pp.256-283
- [51] منصور معدل، طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران، ترجمه محمد سالار کسرای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز)، 1382.
- [52] رایر دکمچیان، اسلام در انقلاب: جنبشهای اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، 1377، صص 12..
- [53] پیشین، صص 114-115.
- [54] پیشین، صص 52..
- [55] پیشین، صص 52-56.

- [56] John L. Sposito, *The Islamic Treat: Myth or Reality?* New York: Oxford University Press, 1992, pp.IX, 180-181,208-209and 215
- [57] Olivier Roy, *The failure of Political Islam* , cambridge: Harvard University. Press,1994
- [58] Oliver Roy , *The Globalized Islam, The Search for a New Ummah*, new York: Columbia University Press 2004
- [59] مبنای اصلی این تقسیم بندی و بخشی از نمونه ها از مقاله حافظ و ویکتوریچ وام گرفته شده است، رک:
- Mohammed M. Hafez and Quintan Wiktorowicz, "Violence as Contention in the Egyptian Islamic Movement" in *Islamic Activism: A Social Movement Theory Approach*, edited by Quintan Wiktorowicz, Bloomington: Indiana University Press,2004,pp.63-64
- [60] Emmanuel Sivan, *Radical Islam: Medieval Theology and Modern Politics* , New Haven: Yale University Press, 1985; John Voll, "Renewal and Reform in Islamic History: Tajdid and Islah" in *Voices of Resurgent Islam*, edited by John Esposito, Oxford: Oxford University Press, 1983,pp.32-47;P.J., Vatikiotis, *Islam and the State*, London:Croom Helm, 1983
- [61] Bernard Lewis, "Islam and Liberal Democracy, " *The Atlantic Monthly*, Vol. 271, . No.2, February 1993, p. 61
- [62] Daniel Pipes, "Islam and Islamism: Faith and Ideology, " *The National Interest*, . Issue 59, Spring 2000,p.89
- [63] فواز جرجیس ، آمریکا و اسلام سیاسی؛ رویارویی فرهنگها یا تضاد منافع، ترجمه سید محمد کمال سروریان، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1382، ص 56 ؛ به نقل از:
- Daniel Pipes, "Same difference: The Islamic Threat, part I,"*National Review*, November 7, 1994, p. 64
- [64] Johannes Jansen, *The Neglected Duty: The Creed of Sadat's Assassins*nd . Islamic Resurgence in the Middle East , new York: macmillan, 1986; mohammed M. Hafez , "Armed Islamic Movements and Political violence in Algeria," *Middle East Journal*, vol.53, No.4, Autumn2000, pp.572-591
- [65] Saad Eddin Ibrahim, Op.cit.; Hamied N.ansari, op.cit .
- [66] Nemat Allah Guenena, "Islamic Activism in Egypt, 1971-1996" in *Islam in a Changing World; Europe and the Middle East*, op.Cit.,p.135
- پژوهش مشهور ابراهیم هم نشان می دهد که میانگین سنی گروه التکفیروالهجره (شکری مصطفی) 24 سال و گروه آکادمی نظامی (صالح سریه) 22 سال بوده است. همچنین تمامی اعضای دو گروه به هنگام پیوستن به این گروهها بین 17 تا 26 سال سن داشته اند. رک:
- Saad Eddin Ibrahim,op.cit.,p.438
- [67] Mohammed M. Hafez and Quintan Wiktorowicz, Op.cit.,p.79.
- [68] مید احمدی، همان، ص ص 55-94. 65.
- [69] Gilles Kepel, *Jihad: The Trail of political Islam*, Translated by Anthony F. Roberts, London and New York:I.B.Tauris, 2002

- [70] کپل به تازگی کتاب دیگری با مشخصات زیر چاپ کرده است:
Gilles Kepel, The War for muslim Minds: Islam and the West , Traslated by Pascale Ghazaleh, Cambridge , MA: Harvard University Press, 2004
این کتاب تحولات منطقه خاورمیانه را پس از حوادث 11 سپتامبر، به ویژه تهاجم به عراق، مورد تحلیل قرار می دهد. برای آگاهی از تحلیلهای وی می توانید به این منبع نیز مراجعه کنید: ژیل کپل، «جنگ علیه افکار مسلمانان» (گفتگو)، ترجمه مصطفی شهرآیینی، ماهنامه گزارش گفت و گو، شماره 15، بهمن و اسفند 1383، ص ص 137-130.
- [71] هرایر دکمچیان، همان، ص 179.
- [72] به عنوان نمونه، رک: انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ویراسته جان ال. اسپوزیتو، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز)، 1382؛ حمید احمدی، «انقلاب اسلامی و جنبشهای اسلامی در خاورمیانه عربی» در مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، به کوشش حاتم قادری، تهران: انتشارات سفیر، 1369، ص ص 155-117؛ رودی متی، «جنبشهای اسلامی معاصر و انقلاب اسلامی ایران،» ترجمه حمید احمدی، 9 قسمت، روزنامه کیهان، شماره های 12830 تا 12840، 15 شهریور تا 30 شهریور 1365.
- [73] از جمله این آثار می توان به کتاب جدید اسپوزیتو و نیز مقاله ای از فولر اشاره کرد:
John L. Esposito, Unholy War: Terror in the Name of Islam, New York: Oxford-University Press , 2002
- Graham Fuller, "The Future of Political Islam, "Foreign Affairs, March/ April 2002-
- [74] فواز جرجیس، همان، ص 21.
- Amin Saikal, Islam and the west: Conflict or corporation? New York: Palgrave. [75]
Macmillan, 2003, p.129
- Ibid.,chapter3. [76]
- Ibid ., chalpter4. [77]
- Fred Halleday, Islam and the Myth of Confrontation, Religion and Politics in the. [78]
Middle East, London:I.B.Tauris,2003
- Graham E. Fuller, "Islamits in the Arab world: The Dance around Democracy," . [79]
Carnegie papers, Carngie Endwment for Internationd Peace, No.49, September 2004
- [80] یرین هانتز، آینده اسلام و غرب، ترجمه همایون مجد، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، 1380..
- [81] (www,bbc.co,uk/Persian/news/030803-mj-aa-review.shtml (8/6/2003.

:

- () : 1379 « » 1379 29 : 1373 : 1378 « » 19
1382 : 1379 : « » 1381 : 1372 : « » 1381 22 2149 ()
: « : 1381 29 : 1380 « » : 1374 : 1373 . :
1381 « » 7 4 1372 : 1382 : 1369 « » 48 1378
: « (1952-94) 3-4 1380 « » 29 1384 : () 1382 . :
Daniel Lerner ,The passing of traditional Society,New York:Free press,_1377 :
1964.-Nikki Keddie